

## گرایش به سواد آموزی در میان تر کمن‌ها

### مقدمه:

گسترش آموزش و برنامه‌های مبارزه با سوادی در سطح کشور در سال‌های اخیر مسائل گوناگونی را از ابعاد مختلف مطرح می‌کند، مسائلی مانند فراهم آوردن تسهیلات آموزشی، ایجاد فرصت‌های مناسب برای آموزش گروه‌ها و طبقات مختلف و بالاخره روی آوردن به آموزش و کاربرد امکانات موجود و در نتیجه فراهم آمدن شرایط لازم به منظور تحول در تقاضای خدمات آموزشی. تجربیات حاصله در این زمینه در طول چندسال گذشته، بویژه در مناطق روستایی مسأله گرایش توده مردم به سواد آموزی را مطرح کرده است (۱). آیا با سواد شدن یک ضرورت تلقی می‌شود؟ و آیا زن و مرد از این نظر شرایط مساوی دارند؟ گزارش‌های یونسکو (۲) و نیز بررسی‌های محققان حاکی از این است که گرایش به باسواد شدن، حتی در مناطق روستایی دور افتاده دنیا روز افزون است، اما زن و مرد از این نظر هنوز شرایط بسیار متفاوتی دارند. با توجه به فرضیات موجود در این زمینه، ابتدا در سال ۱۳۵۲ این مسأله را ضمن بررسی گسترده‌ای در ایل قشقایی مورد مطالعه قرار دادیم و باین نتیجه رسیدیم که ۰/۸۹٪ از رؤسای خانوارها باسواد شدن را برای پسران لازم می‌دانند و حال آنکه در مورد دختران این نسبت به ۰/۷۵٪ تقلیل می‌یابد. گرایش به باسواد شدن در میان بزرگسالان کاهش می‌یابد، چرا که فقط ۰/۲۵٪ از رؤسای خانوارها باسواد شدن را برای خود لازم می‌دانستند. این گرایش در مورد همسر رئیس خانوار به حدود ۰/۲۲٪ می‌رسد (۳). تجزیه و تحلیل دقیق‌تری که از این مسأله بر مبنای روش‌های آماری بعمل آمد نشان داد که درآمد رئیس خانوار در گرایش به باسوادی خود و همسرش و نیز فرزند دختر عامل مؤثری است و حال آنکه سواد آموزی فرزند پسر یک ضرورت مسلم تلقی می‌شود و کمی و یا زیادی درآمد رئیس خانوار تأثیری در گرایش او به این امر ندارد (۴). با توجه باین سابقه و نیز مطالعات انجام شده در سایر کشورها (۵) این مسأله را در ابعاد متفاوتی ضمن مطالعات جمعیتی طرح بررسی مسائلی بهداشتی - اجتماعی حوزه شرقی دریای خزر که در روستاهای ترکمن نشین شهرستان گنبد - کاووس انجام گرفت مورد توجه قرار دادیم. می‌خواستیم بدانیم که آیا اصولاً

در میان ترکمن‌ها با سواد شدن فرزندان دختر و پسر در هر دو مورد بیک اندازه مورد تأیید پدر خانواده است یا خیر؟ و در ثانی از میان متغیرهای مورد آزمون (سن، سواد، گروه شغلی، کاربرد وسائل ارتباط جمعی، وجبر گرایي) کدامیک عامل مؤثری در گرایش رئیس خانوار به سوادآموزی فرزندان دختر و پسر میباشد؟ باید اشاره کنیم که این بررسی با کمک گسترده و در عین حال صمیمانه گروهی از همکاران ما در ایستگاه تحقیقات بهداشتی گنبد کاووس (وابسته به دانشکده بهداشت دانشگاه تهران) انجام گرفته است و اقتصا دارد که از فعالیت‌های اردننده آقای علی جلالی که سرپرستی عملیات صحرائی طرح را برعهده داشتند و نیز از آقای عبدالله فارسیمدان که امور پرسشگری را سرپرستی کردند تشکر نماییم. بی تردید اگر همکاری‌های مؤثر گروه پرسشگران یعنی آقایان اراز محمد کر، عبدالکریم علاقی، ایرج عطائی مقدم، محمد رحمانی و حشمت‌اله دهقان نبود این مطالعه انجام نمی‌شد.

امور جدول‌بندی و محاسبات آماری برعهده همکار ارجمند آقای عباس رمضان‌پور بوده است و آقای داود کیانی منش نیز در کلیه مراحل بررسی با ما همکاری بسیار معمول داشته‌اند که زحمات آنان در خور سپاس بسیار است.

### جامعه مورد بررسی و روش تحقیق

این مطالعه در ۲۲ روستا از روستاهای بخش‌های مراوه تپه و داشلی برون شهرستان گنبد کاووس در طول مدت ۵۰ روز و در فاصله ماه‌های دی و بهمن سال ۲۵۳۵ انجام گرفته است. با توجه به اینکه هدف اصلی ما انجام مطالعه در دهات ترکمن- نشین بود تصمیم گرفته شد که قلمرو جغرافیائی این بررسی به دهات فوق که جملگی در حوزه جغرافیائی کم و بیش بهم پیوسته‌ای در مسیر راه خاکسی ۴۵ کیلومتری مراوه تپه به کنند قرار دارند محدود شود. دو بخش مزبور از شمالی‌ترین بخش‌های شهرستان گنبد کاووس هستند، که مراوه تپه در شمال شرقی و داشلی برون در شمال غربی آن قرار دارد.

روستاها از نظر تعداد خانوارهای ساکن در هر یک پراکنده‌گی قابل ملاحظه‌ای داشتند. در ۰/۴۰/۹ از موارد تعداد خانوارها بین ۳ تا ۱۰ و در ۰/۲۲/۷ از موارد بیش از ۳۱ خانوار بوده است که در نهایت بین ۳ تا ۲۱۱ خانوار در نوسان میباشد. تعداد کل خانوارهای ساکن در دهات بر اساس سرشماری انجام شده در منطقه ۷۹۸ خانوار است که جمعاً ۴۸۱۰ نفر جمعیت را شامل می‌شود. در زمان انجام مطالعه

به علت عدم امکان دسترسی به رؤسای ۴۶ خانوار عملاً این گروه از جامعه آماری ما حذف شدند و در نتیجه با ۷۵۲ خانوار مصاحبه شد. علت انتخاب رؤسای خانوارها برای پاسخگویی به سئوالات پرسشنامه اهمیتی است که این گروه در تصمیم-گیریهای مرتبط با اعضاء خانوار دارند و از اینرو اطلاع از عقاید آنان در مورد

پرسشگران، ترکمن که بازبان و شرایط جامعه محلی آشنائی کامل داشتند و قبلاً آموزش لازم را نیز دیده بودند انجام گرفت. به منظور آزمون فرضیات مورد بررسی ضمن پرسشنامه‌ای که حاوی ۴۱ سؤال بود و مسائل مختلفی را شامل می‌شد، با استفاده از روش لیکرت (Likert) از پاسخگو پرسیدیم که با سواد شدن برای یک دختر (یا پسر) چقدر لازم است؟ و پاسخها را در چهار درجه (لازم، تا حدودی لازم، نه چندان لازم، و لازم نیست) طبقه‌بندی کردیم. پس از استخراج مقدماتی نتایج بر اساس متغیرهای مورد آزمون (جدول شماره ۲) و وزن دادن به پاسخها، محاسبات آماری لازم در هر مورد به منظور بر آورد  $t, s.d, \bar{x}$  انجام گرفت که ملاک قضاوت‌های ما از نظر آماری می‌باشد. لازم به یادآوری است که در انجام تجزیه و تحلیل دو متغیر وابسته عبارت بودند از گرایش رئیس خانوار به باسواد شدن فرزند پسر و دختر (بطور جداگانه) و متغیرهای مستقل گروه سنی، گروه شغلی، کاربرد وسائل ارتباط جمعی و گرایش به جبرگرائی را شامل می‌شدند. اطلاعات ما در مورد سه متغیر سن، سواد، و گروه شغلی بطور مستقیم از قسمت مشخصات عمومی پرسشنامه بدست آمد و لکن در مورد دو متغیر کاربرد وسائل ارتباط جمعی و جبرگرائی از شاخص ویژه‌ای که بدین منظور ساخته شد (Scale Construction) استفاده گردید.

اطلاعات در سطح اعضاء خانوارهای مورد بررسی نشان می‌دهد که جمعیت منطقه بسیار جوان است. میانگین سنی جمعیت ۱۵/۲ سال و نسبت جمعیت ۱۵ ساله و کمتر در حدود ۰/۴۹ است. نسبت بیسوادان در میان زنان و مردان بترتیب ۰/۹۴ و ۰/۷۶ است. باید اضافه کرد که نسبت زنان و مردان ازدواج کرده بترتیب ۰/۷۵ و ۰/۶۵ است و با توجه به گستردگی نسبی ابعاد خانوار، متوسط تعداد

افراد خانوار برابر با  $۶/۲$  نفر است .

گروه مورد مطالعه ۷۵۲۱ نفر رؤسای خانوارها تشکیل می‌دهند که میانگین سنی آنها برابر با  $۳۷/۷$  سال (با انحراف معیار  $۱۲/۹۶۵$ ) است. نسبت افراد با سواد در این گروه برابر با  $۰/۹۹$  است. از نظر ترکیب شغلی نسبت زارعین (یعنی کسانی که دارای آب و ملک شخصی هستند و شغل اصلی آنها زراعت است) حدود  $۰/۳۷$  است و اکثریت جمعیت به علت وجود واحدهای بزرگ کشاورزی در منطقه به انجام خدمات کشاورزی و غیر کشاورزی اشتغال دارند. به علت اسکان قسمت اعظم از ترکمن‌ها در سالهای اخیر و بویژه بالاتر بودن میزان اسکان در دهات مورد مطالعه فقط  $۰/۱۰$  از خانوارها در چادر سکونت داشتند و بقیه دارای مسکن ثابت بودند. از میان وسائل ارتباط جمعی مورد استفاده رادیو اهمیت ویژه‌ای دارد، بطوریکه  $۰/۷۱$  از رؤسای خانوارها در خانه خود رادیو داشتند. تماشای تلویزیون و یا رفتن به سینما بطور کلی به هنگام مسافرت به شهر صورت می‌گیرد و نسبت کسانی که در طول سال گذشته به سینما رفته‌اند حدود  $۰/۱۰$  است که این گروه را عموماً جوانان تشکیل می‌دهند. تلویزیون هنوز کاربرد قابل ملاحظه‌ای، بویژه بشکل مستمر ندارد. عده‌ای قریب به  $۰/۲۰$  از کل جامعه مورد بررسی اظهار داشتند که از ابتدای عمر خود تا زمان بررسی لااقل برای یکبار تلویزیون تماشا کرده بودند.

### نتیجه و بحث

بزرگسالان ترکمن ضرورت باسواد شدن را برای دو جنس به یک میزان تأیید نمی‌کنند. گرایش به سوادآموزی پسران بسیار زیاد، و مورد تأیید  $۰/۹۸$  از رؤسای خانوارها است و حال آنکه در مورد دختران این نسبت به  $۰/۸۲$  تنزل نموده و در مقابل عقاید مخالف شدت بیشتری می‌یابد. آزمون آماری حکایت از وجود تفاوت قابل توجهی در این مورد میکند (جدول شماره ۱) دلایل این امر را بی تردید در تصویری که جامعه از نقشهای اجتماعی زن و مرد ترسیم میکند. باید جستجو کرد، خاصه آنکه در میان ترکمن‌ها فعالیت زنها به کاربرد در خانه و مزرعه خلاصه می‌شود و از این نظر نقشهای اجتماعی خاصی که سواد در آنها بتواند

عامل مهمی باشد در سطح اجتماعی متصور نیست. با این حال باید اشاره کنیم که در سالهای اخیر طرز تفکر والدین در این زمینه دستخوش تحولاتی گشته است که بی تردید آثار آن در سالهای آینده روشن تر خواهد شد.

## جدول شماره ۱

باسواد شدن برای يك پسر ( یا دختر ) چقدر لازم است ؟

(N = ۷۵۲ نفر)

دختر (۰/۰)	پسر (۰/۰)	
۵۰/۷	۸۸/۲	لازم است
۳۱/۴	۹/۸	تا حدوی لازم است
۸/۵	۱/۲	چندان لازم نیست
۷/۴	۰/۱	لازم نیست
۲/۰	۰/۷	اظهار نشده
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع

$$t = ۱۶/۶۶۶, P < .001 (d.f. = \infty)$$

نکته دیگری که در این مطالعه مورد توجه قرار گرفت شناخت عوامل مؤثر بر عقاید افراد در زمینه سوادآموزی بود که از نظر سهولت بررسی و امکان دستیابی به اطلاعات قابل اعتمادتر به گروه سنی، سواد، گروه شغلی، کاربرد وسائل ارتباط جمعی، و جبر گرائی محدود گردید و از طریق روشهای آماری آزمون شد (جدول شماره ۲). عوامل سن، و کاربرد وسائل ارتباط جمعی نقش قابل ملاحظه‌ای در گرایش پدر خانواده در زمینه سوادآموزی فرزندان ندارند، چرا که شرایط فرهنگی دو نسل ۳۴ ساله و کمتر و ۳۵ ساله و بیشتر، چندان متفاوت نیست و از سوی دیگر وسائل ارتباط جمعی کاربرد بالنسبه محدودی دارد و عملاً به رادیو و بهره‌وری سطحی از آن محدود میشود. عوامل سواد و گروه شغلی والدین در این زمینه اهمیت بسیار دارند و تأثیر این عوامل در گرایش به باسواد شدن دختران بیشتر است. باسوادان ضرورت آموزش دختران را بمراتب بیشتر از بیسوادان تأیید می‌کنند. زارعین بعلت بر خورداری از شرایط اقتصادی - اجتماعی برتر (دارا بودن زمین)

گرایش موافق تری به سوادآموزی دختران دارنده تاغیرزارعین که قسمت اعظم آنها به کار در مزارع و یا خدمات دیگر اشتغال دارند. در مورد ضرورت سوادآموزی پسران تفاوتی میان عقاید زارعین و غیرزارعین مشاهده نمی شود و هر دو به يك میزان بر این امر تأکید دارند.

وقتی به عامل جبرگرایی که خود وابستگی به سایر شرایط اجتماعی - فرهنگی فرد دارد توجه کنیم مشاهده می کنیم که در دو گروه جبرگرا و غیرجبرگرا ضرورت آموزش پسران به يك میزان تأیید می شود، لکن در مورد دختران مسأله متفاوت است. جبرگرایان گرایش چندانی به باسواد شدن دختران ندارند، در حالی که گروه مقابل ضرورت آنرا با شدتی بیشتر و لکن کمتر از پسران تأیید می کنند. نهایت اینکه عامل بسیار مهم در سوادآموزی نوجوانان (بویژه دختران) و در نتیجه تغییر شرایط اجتماعی - اقتصادی آنها در آینده سطح آگاهی های فرهنگی والدین آنهاست و در صورت اشاعه بیشتر برنامه های آموزش بزرگسالان، که صرفاً متکی به باسواد کردن آنها بطور سطحی نباشد و همزمان با آن سطح هوشیاری های فرهنگی آن ها را نیز افزایش دهد میتوان پذیرش اجتماعی برنامه های سوادآموزی خاص نوجوانان را نیز بویژه در سطح خانوارها افزایش داد.

### «خلاصه»

باتوجه به اهمیت مسأله سوادآموزی و نقش مهم پدران در گرایش به آموزش فرزندان، هدف بررسی انجام شده در میان ۷۵۲ نفر از رؤسای خانوارهای دهات ترکمن نشین شهرستان گنبد کاووس در سال ۲۵۳۵ این بود که روشن شود آیا لزوم سوادآموزی دختران و پسران از طرف پدران به يك میزان تأیید می شود یا خیر و در صورتی که تفاوتی از این نظر موجود است چه عواملی در آن بیشتر مؤثرند. نتایج مطالعه نشان می دهد که باسواد شدن پسران اهمیت بیشتری دارد و از آنجا که تقریباً مورد تأیید همه پدران است شرایط آنان از نظر سن، گروه شغلی، کاربرد و مسائل ارتباط جمعی و جبرگرایی نقشی در عقاید آنان ندارد و حال آن که ضرورت سوادآموزی دختران بیشتر مورد تأیید کسانی است که باسوادند، از شرایط مادی، بهتری برخوردارند و وابستگی آنها به ارزشهای جبرگرایانه کمتر است.

جدول شماره ۲

میانگین و انحراف معیار و  $t$  محاسبه شده شاخص شدت تأیید ضرورت سوادآموزی  
برای دختر و پسر بر حسب متغیرهای مختلف

(N=752)

نوزم تحصیل برای دختر		نوزم تحصیل برای پسر		
S.d.	$\bar{x}$	S.d.	$1 - \bar{x}$	
<b>گروه سنی :</b>				
۰/۳۷۸	۲/۸۸	۰/۹۲۷	۲/۲۴	۳۴ ساله و کمتر
۰/۳۷۲	۲/۸۶	۰/۸۹۷	۲/۳۱	۳۵ ساله و بیشتر
$t = ۰/۷۴۰$		$t = ۱/۰۲۴$		
<b>سواد :</b>				
۰/۳۹۱	۲/۸۶	۰/۹۳۴	۲/۲۴	بیسواد
۰/۱۹۷	۲/۹۶	۰/۵۷۱	۲/۵۷	باسواد
$t = ۱/۹۶۱*$		$t = ۳/۱۴۲*$		
<b>گروه شغلی :</b>				
۰/۳۷۴	۲/۸۷	۰/۸۲۹	۲/۴۳	زارع
۰/۳۸۴	۲/۸۶	۰/۹۰۲	۲/۲۳	غیرزارع
$t = ۰/۳۴۴$		$t = ۲/۲۴۷*$		
<b>کاربرد وسائل ارتباط جمعی :</b>				
۰/۴۴۳	۲/۸۴	۱/۰۱۰	۲/۱۹	استفاده نمیکند
۰/۳۵۳	۲/۸۸	۰/۸۷۶	۲/۳۰	استفاده میکند
$t = ۱/۲۹۰$		$t = ۱/۴۲۸$		
<b>جبر گرائی :</b>				
۰/۳۷۸	۲/۸۵	۰/۵۸۸	۱/۹۵	جبر گرا
۰/۳۵۵	۲/۸۸	۰/۸۸۱	۲/۴۲	غیر جبر گرا
$t = ۰/۷۱$		$t = ۷/۳۴۳*$		

\* اختلاف از نظر آماری معنی دار است ( $P < 0.05$ ) و یا کمتر.

## مآخذ

1- Goldthorpe, J.E: The Sociology of the Third World, Cambridge University Press, 1975.

۲- پتروفسکی، آرتور. رهنما مجید و...: آموختن برای زیستن، امیر کبیر، تهران، ۱۳۵۴.

۳- محسنی، منوچهر. معتبر، منصور: تحقیقی در برخی از جوانب حیات فرهنگی عشایر- قشقایی، مجله دانشکده. شماره اول، سال اول، صفحه ۱۱۷-۱۰۶.

4- Shafii, F., Mohseni, M., Motabar, M: «Formal Education in a Tribal Society, Iran, «Sociologia Ruralis, Vol. XVII no. 112. 1977.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی